

نخستین کوششها برای تدوین کتب درسی

محمود طاهر احمدی

خورشید و عبارت «وزارت معارف و اوقات و فوائد عامه» در پایین آن آشکار می‌شود، سند مربوط به سال ۱۳۲۸ یا ۱۳۲۹ ق. است که برابر با سال‌های شمسی یاد شده در بالاست. از سویی، در اردیبهشت ۱۲۸۹ ش. در کابینه سپهدار اعظم، صنایع‌الدوله وزیر فواید عامه و سرپرست وزارت علوم و اوقاف شد. پس از آن، این دو وزارتخانه همواره زیر عنوان «وزارت معارف و اوقاف و فوائد عامه» با یک وزیر در رأس آن اداره می‌شد. تا این که در دی ماه ۱۳۳۱ ق. / ۱۲۹۱ ش. و در کابینه میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه، این وزارتخانه به دو وزارتخانه «تجارت و فوائد عامه» و «وزارت معارف و اوقاف» تقسیم شد. از این رو با اطمینان می‌توان گفت، سند زیر مربوط به همین دوره است.

دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کشور، دریافتند برای سطوح مختلف تحصیلی، لازم است کتاب درسی فراهم و در مدارس توزیع شود. سیدضیاءالدین طباطبایی، مدیر روزنامه شرق، از نخستین کسانی است که پس از مشروطه، براساس طبقه‌بندی جدید، کتاب‌های تعلیمات مدنی را برای استفاده دانش‌آموزان سال‌های آخر دوره ابتدایی نوشت. ظاهراً این کتاب باید در سال ۱۲۸۹ یا ۱۲۹۰ ش. نوشته شده باشد. در سندی مربوط به «رسالة تعلیمات مرثیه»، تاریخ نگارش سند به‌طور کامل نوشته نشده است. تنها عبارت «به تاریخ ۶ ربیع‌الاول ۱۳۲» یاد شده است که با توجه به نشانه شیر و خورشید و شکل تاج بالای آن و همچنین عبارت «دولت علیه ایران» در بالای شیر و

تأسیس مدرسه دارالفنون در پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ ق. که در پی جنبش نوگرایی و نوسازی دوره شاهزاده عباس میرزا به انجام رسید، سرآغاز بنیان و گسترش مدارس جدید به شمار می‌رود. پیش از این، کودکان و نوجوانان در مکتب‌خانه‌ها با در نظر گرفتن حیطه‌های مختلف یادگیری، طبقه‌بندی نمی‌شدند و فرایند آموزش به آمادگی و توانایی دانش‌آموزان بستگی داشت. پس از نهضت مشروطه خواهی و شکل‌گیری سازمان یافته مدارس جدید، دانش‌آموزان بتدریج از لحاظ توانایی در خواندن و نوشتن و همچنین درک یافته‌های علمی تقسیم‌بندی شدند و در سطح‌های مختلف، جا می‌گرفتند. از این‌رو معلمان و



وزارت معارف و اوقاف و رفاه عامه

شماره کتاب ثبت	۲۶۸۹/۵۳۵
کارتن	دوسیه
ذکر عمرهای قبل	
اداره	

ارسال در ساعت

خروج

تهران تاریخ: ۱۳۳۵
اسم نویسنده: صادره: ضمیمه:

بسم الله الرحمن الرحيم
 در مورد کتاب «معارف و اوقاف و رفاه عامه»
 که در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۳۵ در تهران
 چاپ شده و در این کتاب به موضوعات
 مربوط به معارف و اوقاف و رفاه عامه
 پرداخته شده است و این کتاب را
 می‌توان به عنوان یکی از منابع
 مهم در این زمینه دانست.

سند شماره ۱

«رسالة تعلیمات مدنیة که نگارش آقای آقاسیدضیاءالدین طباطبائی است، چون مطابق با پروگرام جدید وزارت معارف تألیف شده و برای متعلمین دوره ابتدایی بسیار مفید و لازم است، وزارت معارف تصویب و تأکید می‌نماید که رساله مذکوره در مدارس و مکاتب ابتدایی از سال پنجم و ششم تدریس شود و حق طبع آن هم مخصوص خود مؤلف است.» [امضا]

وزارت معارف، انحصار تألیف و چاپ کتاب‌های درسی را به خود اختصاص نداده بود، اما اجازه طبع و تدریس کتب تألیف شده، به عهده شورای ده نفره معارف این وزارتخانه بود.

در ۹ شعبان ۱۳۳۵ ق. برابر با ۱۰ جوزای [خرداد] ۱۲۹۶ ش. رئیس کل

معارف ایالت خراسان، در نامه‌ای ۲ خطاب به «مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقات» درباره متحدالمالی که در آن اجازه چاپ کتاب را «مخصوص به آن وزارتخانه فرموده بودند [و] چون این امر مبهم بود در مقام کسب تکلیف جسارت ورزید» و پرسید: «اجازه کتاب، کدام کتاب است. اگر کتب مخالف قانون مطبوعات است که قانوناً ممنوع از طبع می‌باشد و اگر غیر آن کتب است با آزادی مطبوعات، اداره معارف چگونه مطابع و مؤلفین را مجبور به تحصیل اجازه نماید» در پایان نامه هم خواهش می‌کند، تکلیف او را معین سازد. پاسخ وزارت معارف به رئیس معارف خراسان که در سوم سرطان [تیر] ۱۲۹۶ ش. / پنجم رمضان ۱۳۳۵ ق. به خراسان رسید، به شرح زیر است:

سند شماره ۲

«آقای رئیس معارف خراسان - مراسله مورخه ۱۰ جوزا [خرداد] در تحت نمرة ۱۶۹ راجع به طبع کتب واصل و ملاحظه شد. توضیحاً می‌نویسد در صورتی طبع کتب آزاد است که مؤلف یا مصنف نخواهد پروگرام نموده و در مدارس تدریس شود و ضمناً باید مخالف مذهب اسلام نباشد و پس از طبع هر کتابی هم دو نسخه به موجب قانون مطبوعات به وزارت معارف ارسال دارد؛ ولی کتبی را که مایلند پس از طبع در مدارس تدریس شود، بدو باید به مرکز ارسال دارند که از نظر شورای معارف گذشته، در صورت تصویب طبع نمایند.»

در آن هنگام، تألیف کتاب‌های درسی، بدون توجه به دستاوردهای دانش روانشناسی بویژه آنچه امروز روانشناسی

رشد و روانشناسی یادگیری گفته می‌شود، به انجام می‌رسید. به گفته شادروان حبیب یغمایی، «در تألیف کتاب‌های دبستانی هیچ‌گونه شرط و قید فنی رعایت نمی‌شد و مثلاً لازم نبود که مؤلف استاد و آموزگار و اهل فضل و فن باشد و صلاحیت تألیف کتاب‌های درسی را داشته باشد. تنها اجازت بی‌مطالعه شورای عالی فرهنگ کافی بود که تالیفی هر چند نساخته و نسجیده و نامناسب و ناجور باشد، در مدارس رواج یابد. از این روی هر روز به شمار مؤلفین و تنوع کتب درسی افزوده می‌گشت و غالباً هر کتاب فروشی تالیفی مخصوص به خود داشت و به وسایل معمول و بند و بست در انتشار آن تشبث می‌جست و باری کار این هرج و مرج به جایی رسیده بود که اتفاق می‌افتاد که در یک کلاس و برای یک درس نوآموزان کتاب‌های گوناگون در دست داشتند.»^۳

برای آشنایی با چگونگی چاپ و انتشار کتاب‌های درسی و بیشتر به منظور نشان دادن نوع تلقی اهل فضل و دانش و ارباب قلم از کتاب درسی، به معرفی یکی از آن‌ها می‌پردازیم.

«مطلع‌الشموس» تألیف میرزا فضل‌الله، بدایع نگار آستان قدس کتابی است با قطع خشتی در ۴۸ صفحه که در مطبعه طوس مشهد به تاریخ جمادی‌الثانی ۱۳۳۱ ق. [خرداد ۱۲۹۲ ش.] چاپ شده است. عبارات روی جلد نشان می‌دهد، مطلع‌الشموس کتابی است «در علم جغرافیا، موافق پرگرام جدید، برای شاگردان ابتدایی» که حق طبع آن هم «محفوظ و مخصوص به مؤلف می‌باشد.» محمد هاشم میرزا رئیس معارف خراسان و سیستان، دیباچه‌ای برای کتاب بدین شرح نوشته است: «کتاب مطلع‌الشموس که در علم جغرافیا به حسن انشا و اختراع جناب مستطاب آقای میرزا فضل‌الله، بدایع نگار آستان قدس صورت تالیف گرفته و از مآخذ صحیح و کتب

اساتید، دوره‌مقدماتی آن علم را به طریق سؤال و جواب به زبان ساده سهل ممتنع به محور مختلفه به رشته نظم کشیده و خاتمه آن را به ذکر جغرافیای تاریخی مشهد مقدس ختام مسک داده‌اند. چون برای تعلیم اطفال مکاتب و شاگردان ابتدایی مدارس بسیار مفید بود، خصوصاً که ترانه نظم سبب سهولت حفظ می‌شد، لهذا از طرف اداره جلیله معارف خراسان اجازه طبع آن کتاب داده شد که عموماً مستفید کردند و اجازه طبع آن مخصوص به مخترع مزبور است.» میرزا فضل‌الله کتاب خود را با این پیشگفتار آغاز کرده است: «بسم الله الرحمن الرحیم - الحمد لله الذی خلق السموات و ما فیهن و الارضین و ما علیهن وله ما بینهن و هورب العرش العظیم و الصلوة والسلام علی محمد خاتم النبیین و آله الغرالمیمین. اما بعد این جغرافیای مقدماتی سطحی است که محض تسهیل حفظ و تیسیر ضبط مبتدعان مکاتب و فرهنگیان مدارس به طریق سؤال و جواب می‌نگارد تا به ترانه نظم و بهانه شعر که ملایم با طبیعت بشری است و آهنگ بحور که منشط روح انسان است، حفظ آن بر شاگردان آسان گردد و تعسر نظم این گونه مطالب اصطلاحی و مسائل علمی با رعایت انسجام و سادگی بر هر دانشمندی آشکار است. در این صورت مستدعی چنانست که اگر خطایی در کلام ببینند به مکارم اخلاق خود معذورم بدارند که العذر عند کرام الناس مقبول.»

سیدضیاءالدین طباطبایی، مدیر روزنامه شرق، از نخستین کسانی است که پس از مشروطه، براساس طبقه‌بندی جدید، کتاب تعلیمات مدنی را برای استفاده دانش‌آموزان سال‌های آخر دوره ابتدایی نوشت.

سرفصل‌های مطالب کتاب عبارتند از: «معنی لفظ جغرافیا، تعریف علم جغرافیا (از این پس ع ج)، فایده ع ج، فضیلت ع ج، نسبت ع ج، موضوع علم جغرافیا، واضع ع ج و اقسام عمده جغرافیا.»

نمونه‌ای از نشر کتاب: «لفظ جغرافیا مرکب از دو کلمه یونانی است که معنای آن وصف زمین است و در لغت عرب علم جغرافیا را تعبیر به علم تقویم البلدان و تخطیط الاقالیم می‌نمایند.» و «این علم فرعی از فروع علم توحید است که دلالت می‌کند انسان را بر قدرت کامله صانع، دانای یکتا و خالق، پروردگار حی، توانای بی‌همتا، جلت عظمت و علت کلمته و لاله غیره.»

پرسش و پاسخ‌های متن درس چنین است:

سؤال - خداوند قادر متعال زمین را به چه شکل خلق فرموده.

جواب - در بحر هزج مسدس (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)

خداوندی که تقدیر جهان کرد زمین را گرد همچون گردکان کرد

دلیل گردیش عقل سلیم است نه هر عقلی که گرد است و سقیم است

پس از بیان هر پرسش و پاسخ منظوم، شرحی درباره آن نوشته که اتفاقاً، توضیح مطلب بالا نادرست از کار درآمده است؛ زیرا

مؤلف معتقد بود: «شاهد بر دو گردش زمین یکی تولید شب و روز است که در ۲۴

ساعت یک مرتبه دور خورشید [کذا] مانند

فوفره از طرف مغرب به مشرق حرکت می‌کند و چرخ می‌زند و بدین حرکت ایجاد

شب و روز می‌شود.»

چند پرسش و پاسخ دیگر: سؤال - افق حسی چه باشد بهر ما حسی نما.

جواب - در بحر رمل (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن)

هرکجا باشی چو بر اطراف اندازی نظر

آسمان را متصل بینی به اطراف زمین یک محیطی جلوه گر گردد که چشم انداز تو زان شود محدود و آن حس افق باشد ببین سؤال - از اصول دین و آیین بشر بر گو سخن.

جواب - [در همان بحر]

فطرتاً نوع بشر تعظیم خالق می کنند
لیک بعضی راه حق رفتند و بعضی
پرفسوس
اهل توحید اهل اسلام است وزان گر بگذری
عیسوی هست و یهودی هست و برقولی
مجوس
مشرکین بودایی است و بر همی و
بت پرست

لیس الاهو تعالی الله عن و هم النفوس

سؤال - نژاد نوع انسان چند قسم است

جواب - در بحر هزج (مفاعیلن مفاعیلن

مفاعیل)

نژاد اصلی انسان سه قسم است

نژاد ابیض و اسود و اصفر

نژاد فرعی هم بر سه گونه است

نژاد احمر، اسکیمو و بربر

در سال ۱۳۰۳ ش.، برای آسان کردن آموزش الفبا، از سوی گروه معارف وزارت معارف کتابی تالیف شد و در دسترس دانش آموزان سال اول دوره ابتدایی قرار گرفت.

این کتاب الفبا را می توان سرآغاز توجه به هماهنگ سازی کتاب های درسی برای نوآموزان مدارس کشور به شمار آورد. اعضای گروه معارف عبارت بودند از: حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، حاج میرزا یحیی دولت آبادی و حاج مهدی قلی خان هدایت (مخبر السلطنه) و حبیب یغمایی. مؤلف اصلی کتاب در حقیقت مخبر السلطنه است که در آن هنگام وزیر فواید عامه بود. مخبر السلطنه مطالب کتاب را گردآوری و تنظیم می کرد و حتی گراورها را در خانه

می ساخت و مراحل چاپ کتاب را به همراه حبیب یغمایی زیر نظر داشت.

این کتاب، داستان ها و اشعاری شیرین داشت و منظومه ای از مخبر السلطنه هدایت در آن بود که بعدها به نام دیگران شهرت یافت. چند بیت از آن قطعه معروف به قرار زیر است:

شب تاریک رفت و آمد روز

و چه روزی چو بخت من فیروز

پادشاه ستارگان امروز

از افق سر برون نکرده هنوز

باز شد دیدگان من از خواب

به به از آفتاب عالم تاب

از افق صبحدم ستاره دمید

آسمان همچو نقره گشت سپید

با شکوه و جلال و جاه رسید

پادشاه ستارگان خورشید

باز شد دیدگان من از خواب

به به از آفتاب عالم تاب

یک طرف ناله خروس سحر

بانک الله اکبر از یک سر

از نواهای دلپذیر پدر

وز صدای نوازش مادر

باز شدن دیدگان من از خواب

به به از آفتاب عالم تاب ۴

در سازمان اسناد، شش برگ سند درباره کتاب الفبا وجود دارد. اسناد این مجموعه، علاوه بر این که نشان می دهد تدریس کتاب الفبا در مدارس کشور معمول شده بود، آگاهی های مفید دیگری در بر دارد که از

پس از نهضت مشروطه خواهی و شکل گیری سازمان یافته مدارس جدید، دانش آموزان بتدریج از لحاظ توانایی در خواندن و نوشتن و همچنین درک یافته های علمی تقسیم بندی شدند و در سطح های مختلف، جا می گرفتند.

جمله دشواری های چاپ کتاب و انتظار و توقع مسئولان اداره معارف برخی از مناطق کشور را آشکار می کند و همچنین میزان بودجه ماهانه مدارس را برای خرید کتاب و این که نویسنده کتاب الفبا، حق التألیفی نگرفته و هزینه چاپ آن هم از کمک های مالی اشخاص فراهم شده است. همه اینها برای آنان بود که کتاب به قیمتی ارزان به دست نوآموزان برسند.

نخستین سند این مجموعه حاوی نامه ای است که در ۲۳ مهر ۱۳۰۵ ش. از سوی اداره معارف و اوقاف آذربایجان برای وزارت معارف فرستاده شده بود که شرح آن به قرار زیر است:

سند شماره ۳

«مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شوکته دستخط متحده المآل نمره ۴۰۶۰ دایر به کتاب الفبا آقای حاج مخبر السلطنه زیارت و به مدارس شهر و اطراف اخطار گردید که از کتاب درسی مذکور تدریس نمایند؛ ولی چون در این شهر نیز کتابخانه و مطابع عدیده خوب موجود است، محض سهولت امر و ترویج کتاب مذکور و استرضای خاطر اهالی آذربایجان اگر آقای حاج مخبر السلطنه اجازه بدهند کتاب مذکور با مراقبت درنفاست کاغذ و حسن خط در این جا نیز طبع و به موقع استفاده گذاشته شود، البته بهتر خواهد بود و ضمناً در بودجه مدارس جدید ماهی یک تومان برای تهیه کتب منظور شده. اداره معارف از سال آینده برای هر یک از مدارس قسمتی از اعتبار دوازده تومان کتاب را به مصرف خرید کتاب مذکور رسانده و تدریس آن را معمول خواهد داشت.»

[در حاشیه آمده است]: اداره معارف، سواد این کاغذ را به کمیسیون معارف بفرستید و بنویسید اگر اجازه می دهد در تبریز هم طبع شود.»

سند شماره ۵

«مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شوکته - دستخط نمرة ۵۰۸۴، ۳۰ آبان ماه زیارت ۴۲۲۵ و سواد شرحی هم از کمیسیون معارف به امضای آقای دولت آبادی راجع به طبع کتاب الفبا در تبریز مرقوم شده بود ملاحظه گردید. مقرر فرمایید از کتاب مزبور آنچه در مرکز طبع شده و مشتمل بر چند جلد است از هر کدام یک جلد نمونه به معارف آذربایجان ارسال و ضمناً قیمت تمام شده آن‌ها را به علاوه مخارج حمل معین و مرقوم دارند تا به کتابخانه‌های تبریز ارائه و معلوم دارد که در این جا ممکن است به آن نحو و ارزانتر از مرکز طبع بشود یا خیر. و در خاتمه اهمیت طبع بعضی کتب را در این جا نظر به مقتضیات محلی متذکر و توجه خاص وزارت جلیله را به این نکته معطوف می‌دارد که ممکن است هیأت محترم دولت دوچار حمله و اعتراضات زیادی بشوند، به طوری که تا حال هم راجع به مطبوعاتی که از مرکز به ادارات دولتی می‌رسد به مجلس شورای ملی و مراکز صالحه دیگر شکایت و اعتراض نموده‌اند.»

[امضا]

سرانجام پاسخ قطعی وزارت معارف در ۲۹ آذر ۱۳۰۵ ش. به شرح زیر به تبریز فرستاده شد:

سند شماره ۶

«اداره معارف آذربایجان - مراسله جوابیه نمرة ۴۱۶۲ مورخه ۱۷ آذر واصل. در موضوع طبع کتاب الفبا در تبریز یک نسخه محض نمونه تلواً انقاد داشت. در صورتی که کتاب فروش‌های آن‌جا حاضر برای طبع این کتاب باشند، ممکن است یک ورق طبع کرده بفرستند. هرگاه از هر جهت مانند نسخه طبع تهران باشد به آن‌ها اجازه داده خواهد شد و قیمت قطعی آن هم همان سی شاهی است و هیچ نباید زیادتر شود.»



حاج میرزا یحیی دولت آبادی

در خط نسخ معرب و خط نستعلیق حاجت به مطایع سنگی نبوده باشد و کتاب ظریفتر طبع شود در این صورت هم بهتر این است که آذربایجان مساعدت کند کتاب‌های موجود زودتر مصرف گردد و طبع دوم با اصلاحات منظوره انجام یابد. و در هر حال در موقع تشکیل کمیسیون تقاضایی که شده است مطرح می‌شود و به هر چه رأی کمیسیون شد اقدام خواهد گشت. زیاده عرضی ندارم.» [امضا]

«سواد شرح کمیسیون معارف راجع به اجازه طبع کتاب الفبا» به تبریز فرستاده شد که در پاسخ آن نامه‌ای از سوی اداره معارف و اوقاف آذربایجان در ۲۶ آذر ۱۳۰۵ ش. به دفتر وزارت معارف رسید. نامه مزبور چنین است:

کتاب الفبا را می‌توان سرآغاز توجه به هماهنگسازی کتاب‌های درسی برای نوآموزان مدارس کشور به شمار آورد.

«سواد مراسله اداره معارف آذربایجان» به «کمیسیون معارف» فرستاده شد تا گروه معارف نظر خود را به وزیر معارف اعلام کند. پاسخ‌نامه بالا به خط و امضای یحیی دولت آبادی چنین است:

سند شماره ۴

«مقام محترم وزارت جلیله معارف دامت شوکته - مرقومه شریفه، تحت نمرة ۴۷۱۳ با ضمیمه آن راجع به شرحی که از آذربایجان در موضوع کتاب‌های ابتدایی به وزارت جلیله عرض شده زیارت شد و در موقع تشکیل کمیسیون معارف مطرح خواهد گشت، ولی لازم است تذکر داده شود که این کتاب‌ها با رعایت صرفه‌جویی از وجوه اعانه طبع شده، حق تألیف منظور نگشته، چیزی به قیمت تمام شده افزوده نشده، مگر بسیار کم که از صدی دو تجاوز نمی‌کند، آن هم برای حق فروشنده. در این صورت قیمت مقطوع کتاب در واقع همان قیمت تمام شده است و چون ده هزار نسخه از کتاب الفبا طبع شده، البته در مناسب شدن قیمت مدخلیت داشته به علاوه گراورهای زیادی که قسمت عمده کتاب را تشکیل می‌دهد برای چند برابر این عده که طبع شده کافی است و فقط مبلغ مختصری از خرج گراورها در حساب این کتاب منظور شده، در این صورت بسیار مشکل به نظر می‌رسد که در آذربایجان بتوانند از این ارزانتر تمام کنند و اگر بتوانند با همین کاغذ و با همین گراور ارزانتر تمام کرده و ارزانتر بفروشند گمان ندارم کمیسیون معارف موافقت نکند، زیرا که مقصد کمیسیون دادن کتاب خوب و ارزان است و اگر معلوم شد که به این ارزانی نمی‌توانند تمام کنند بهتر این است از همین کتابها هر قدر لازم دارند ببرند. یک نکته دیگر هم هست که کمیسیون در نظر دارد طبع ثانی کتاب ابتدایی، با یک تجدید نظر [طبع] بشود و بلکه تمام صفحاتش مانند ثلث آخر آن گراور بشود که



عباس میرزا در جوانی

به اختصار، سیروس، داریوش، اردشیر دراز دست، دارا، اسکندر، ظهوردین مسیح، سلسله ساسانیان به اختصار، اردشیر بابکان، یزدگرد اول، شاپور اول، شاپور دوم، قباد، اتوشیروان، یزدگرد سوم، ظهور اسلام و مختصری از سیره نبویه، ابوبکر، عمر، عثمان، حضرت امیر، معاویه، عمر بن عبدالعزیز، هارون الرشید و مأمون.» با این وجود، برخی از اسناد موجود در سازمان اسناد نشان می‌دهد دست کم تا سال ۱۳۱۴ ش.، وضع آشفته تالیف و توزیع کتاب‌های درسی سامان نیافته و مسؤولان وزارت معارف پیوسته وعده اصلاح و

دارد که «در این سال حساب و سیاق باید شفاهی تدریس شود و در موارد دیگر هم که کتاب به کار می‌رود معلم باید احتراز کند از این که شاگردان عبارات کتاب را حفظ کنند، بلکه باید مطالب را به شاگردان بفهماند. به طوری که از خارج بتوانند به زبان خود بیان کنند.»

در این میان، پیداست بر سر دروسی که بیشتر به تکرار و تلقین نیاز دارد، چه خواهد آمد. بخصوص آن که سر فصل‌های هر درس، بازگو کننده برنامه‌ای فشرده است. مثلاً برای درس تاریخ کلاس سوم، تدریس این موضوع‌ها ضروری است: «سلسله کیان

اگر بخواهند مثل الفبای سابق مغلوطاً و بد چاپ کنند به هیچ وجه اجازه داده نخواهد شد. از کرایه حمل هم خود کتاب فروش‌ها بهتر می‌توانند مطلع شوند.»

[امضا]

گویا نداشتن برنامه‌ای صحیح درباره کتاب‌های درسی سبب شد تا در دوران وزارت سید محمد تدین در وزارتخانه معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه «دستور تعلیمات شش ساله ابتدایی ذکور در هشتاد و ششمین جلسه شورای عالی معارف مورخه ۱۵ مرداد ۱۳۰۶ به تصویب رسد و در همان سال «از اول افتتاح مدارس به موقع اجرا گذاشته شود.»

در این دستور تعلیماتی شانزده صفحه‌ای آمده است:

«تعلیمات سال اول، سوای فارسی که کتاب الفباء و قرائت لازم دارد همه شفاهی است و نباید از روی کتاب باشد. مواد مذکوره پرگرام را معلم باید در ضمن مذاکرات و صحبت شفاهی به اطفال بیاموزد و در موارد ضروری برای تفهیم مطالب از تصاویر و اشکال و نقشه‌ها و کره و سایر آلات و ادوات مدرسه استمداد نماید و کتاب را برای تذکر و استفاده خود تخصیص دهد.» همچنین «تعلیمات سال دوم سوای قرآن و قرائت فارسی تماماً شفاهی است و کتاب لازم ندارد و معلم باید مواد پرگرام را در ضمن صحبت و مذاکرات شفاهی و در موقع حاجت با استمداد از تصاویر و نقشه‌ها و کره و سایر لوازم مدرسه بیاموزد.»^۶

حال اگر در نظر بگیریم که بیشتر مدارس کشور از دستیابی موقت یا در اختیار داشتن همیشگی وسایل کمک آموزشی به ویژه کتابخانه، محروم بودند، یکی از اسباب رواج جزوه نویسی در آموزشگاه‌ها روشن می‌شود. این درحالی است که در کتابچه راهنمای تعلیماتی یباد شده، در تشریح برنامه سال سوم ابتدایی بر این نکته تکیه

بازنگری کتاب‌های درسی را می‌داده‌اند. در چهارم خرداد ۱۳۰۹ ش.، گزارشی از سوی اداره معارف و اوقاف کاشان برای وزارت معارف فرستاده شد. ۷ این گزارش، بیانگر تلاش‌هایی است که در گوشه و کنار کشور برای بهبود وضع ناخوشایند کتاب‌های درسی به انجام می‌رسیده است.

سند شماره ۷

«مقام منبع وزارت جلیله معارف دامت شوکت - با نهایت احترام خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، سال گذشته به واسطه این که در کاشان کمیسیونی برای انتخاب تشکیل نشده و مدارس تکلیف خود را نسبت به انتخاب کتب نمی‌دانستند تا اواخر مهرماه که فوری وارد کاشان شدم، مدارس ترتیب صحیحی در باب کتب نداشتند و هر مدرسه یک کتاب مخصوص انتخاب کرده و تدریس می‌نمود. فذوی بعد از ورود به کاشان کمیسیونی از مدیران مدارس دولتی و ملی تشکیل کرده و کتاب‌هایی انتخاب نمودم و به عموم مدارس اخطار نمود که غیر از آنها را در معرض تدریس قرار ندهند، ولی نظر به این که کاشان کتاب فروشی ندارد و وارد کردن کتاب از تهران به کاشان خالی از صعوبت نیست، به واسطه دیر وارد شدن کتاب قریب یک ماه نیز اتحاد کتب در مدارس تأخیر افتاد. اینک برای جلوگیری از عدم تکرار از نظیر آن در هذو السنه اجازه می‌خواهد که در صورتی که کتب مخصوص وزارت جلیله متبوعه برای کلاس‌های ۳ و ۴ و ۵ و ۶ در نظر نگرفته شده کمیسیونی از مدیران مدارس کرده و کتب تدریسیه را انتخاب نموده به مدارس اخطار کنند که قبل از حلول شهریورماه کتب لازمه در کاشان حاضر شده و در دسترس عموم محصلین بوده باشد. مترصد اجازه و امر مبارک است. نماینده معارف کاشان»

[در حاشیه آمده است]: آقای دفتری، جواب بنویسید، کتبی که برای کلاس‌های ابتدایی در نظر است به اتمام نرسیده. در آتیه

در این موضوع دستور مقتضی داده خواهد شد. مظفری [امضا]

در پاسخ به این گزارش، نامه زیر در ۲۲ خرداد ۱۳۰۹ ش. از سوی وزارت معارف به کاشان فرستاده شد.

سند شماره ۸

«معارف و اوقاف کاشان - راپرت نمرة ۳۶۱ اصل و ملاحظه گردید. [۱۳۰۹] ۵/۳/۴

وزارتخانه سعی وافی در طبع کتب کلاس‌های ۳ - ۴ - ۵ - ۶ ابتدایی دارد و امید می‌رود که تا موقع افتتاح مدارس طبع آن انجام یافته و دستور اجرای آن در کلیه مدارس ابتدایی از طرف وزارتخانه صادر شود.» [امضا]

این روند همچنان ادامه داشت تا سرانجام در سال ۱۳۱۴ ش.، زمره‌هایی از وزارت معارف برخاست که به زودی همه کتاب‌های درسی مورد بازنگری اساسی قرار می‌گیرد. این مطلب از آن جا دانسته می‌شود که کتاب «دانستی‌های میهنی»، نوشته یوسف نجات، مدیر دبستان مسعود سعید تبریز، از طریق اداره تعلیمات و لایات به وزارت معارف فرستاده شد تا در صورت موافقت، کتاب مذکور در زمره کتب درسی گنجانده شود. کفیل اداره انطباعات وزارت معارف، در نامه خود به اداره تعلیمات و لایات، در ۲۵ شهریور ۱۳۱۴ ش. نوشت: «قسمتی از مطالب این رساله برای محصلین دبستان‌ها مفید است، ولی از جهات دیگر نمی‌توان مقرر داشت که جزو پرگرام و در دبستان‌ها تدریس شود.» و با صراحت اضافه کرد: «چون در نظر است که در کتاب‌های معارفی تجدید نظر اساسی به عمل آید، ممکن است بعضی از مطالب آن را در کتاب‌های معارفی گنجانند که نظریه مؤلف هم تأمین شده باشد.» ۸

این بازبینی اساسی، ظاهراً همان «برنامه تحصیلات شش ساله ابتدایی» دختران و پسران است که در دوران وزارت علی اصغر حکمت «در سیصد و پنجاه و نهمین جلسه

شورای عالی معارف مورخ سه شنبه ۳۰ آذر ۱۳۱۶ به تصویب رسید» ۹ و به همه استان‌ها ابلاغ شد تا «به موقع اجرا گذاشته شود.» در این برنامه به روش علمی «منظور اصلی از تعلیم ابتدایی که پیوسته باید در نظر آموزگاران باشد» در چهار ماده و دو تبصره تبیین شده است و «مقصود واقعی از تعلیم قرآن مجید، شرعیات، قرائت فارسی، املا، انشاء، اخلاق، علم الاشیا، دستور زبان فارسی، خط، حساب و هندسه، تاریخ، جغرافیا، رسم و نقاشی و تربیت بدنی» برای سال‌های اول تا ششم دبستان (دختران و پسران) در ۶۹ صفحه به طور مشروح بیان شده است. بنابراین، الگویی فراهم شد تا براساس آن کتاب‌های درسی تدوین و در اختیار دانش‌آموزان سراسر کشور گذاشته شود.

پانویس

- ۱ - سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت معارف (از این پس «م») نامیده خواهد شد) سری الف، شماره تنظیم ۵۱۰۱۱، شماره پاکت ۱۰۳۸.
- ۲ - همان، شماره تنظیم ۱ - ۵۱۰۰۴، ش پ ۳۵۱.
- ۳ - حبیب یغمایی، کتابهای درسی، مجله یغما، سال دوم، شماره هفتم، مهرماه ۱۳۲۸، ص ۲۸۲.
- ۴ - حبیب یغمایی، داستان دوستان، مجله یغما، سال بیست و دوم، شماره چهارم، تیرماه ۱۳۴۸، ص ۲۲۵.
- ۵ - سازمان اسناد، همان، شماره پاکت ۱۰۴۰.
- ۶ - دستور تعلیمات شش ساله ابتدایی مدارس ذکور، از انتشارات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، چاپ مطبعه روشنائی، بی تا، ص ۳ و ۱.
- ۷ - سازمان اسناد، همان سری، همان شماره تنظیم، شماره پاکت ۱۰۳۵.
- ۸ - سازمان اسناد، همان سری، همان شماره تنظیم، شماره پاکت ۱۰۳۳.
- ۹ - برنامه تحصیلات دبستانهای پسران و دختران، از انتشارات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، چاپ شرکت سهامی چاپ رنگین، تهران، بی تا ص ۳۵.

مقام محترم وزارت عدلیه صرف دست گرفته
 مقرر شده تحت شماره ۱۳۷۴۷۳ بخدمت کتبی درج شد که در روز یکشنبه در مجموع
 عدلیه حریف نه زاریست شد و در مورخ قبلی کمسیون متعارف مطلع نمودند که
 به لغز است تا که داده شود که این کتابها بارهاست صرفه جوی از وجه این شعبه
 منظور شده است جهت نام شده، فرود شده، مگر با یک که در ضمن و کما در گذشته
 حق فرود شده در این صورت حسن معلوم کتاب در واقع همان است که نام شده است
 در برابر آنکه از آن به این نام طبع شده است در این کتاب حقیقت غیبت داشته
 گردود در این جهت موجود است که یک مظهر برای این شعبه از این مورد طبع شده است
 و خود مبلغ حق تعالی از خرج گردود در حساب این کتاب منظور شده در این صورت
 بنظر میرسد در آذربایجان بپوشند در این از آنرا تمام کنند و اگر چنین باشد
 و با همین گردود در آنرا تمام کرد و از آنرا بپوشند گان خدای کمسیون متعارف نوشته
 کنند در این شعبه کمسیون دادن کتاب خوب و از آنرا به شرف حرم و در معلوم شده
 و این از آنرا غنیتر نموده نام کنند و در این است از همین کتابها هر قدر لازم دارند
 برین یک شعبه در آن است کمسیون در نظر دارد طبع کتاب است به آن یک که در نظر
 دیگر نام صحتی است مانند کتاب تهران گردود است در خط نسخ مکتوب و خط خطی
 حقیقت بر این است که بنظر میاید و کتاب طبع شده در این صورت به نام این
 از آنجا که در صورت کند که آنها موجود بود در معرفت کرده و طبع حرم به این
 بنام باید در هر یک در مورخ قبلی کمسیون کتابخانه در صورت به طبع شود و این
 دانی کمسیون شده است که در آنجا خود گرفت داده حریف دار

[Handwritten signature and stamps]
 در این مورد
 در این مورد
 در این مورد